



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۳/۲۷

صلاح الدین سعیدی

## مذاکرات صلح و گمراهی راه!

مذاکرات صلح تنازل از اهداف اساسی، قبول و رد امارت اسلامی، قانون اساسی، کسب و از دست دادن حقوق زنان و مردان، انحلال حاکمیت، دادن و گرفتن چوکی، حق دادن، امتیاز دادن و امتیاز گرفتن و سهم ساختن همسایه ها در سرنوشت خویش نیست!

مذاکره و مصالحه شریک ساختن دیگران در اطاق خواب خویش نیست تا دیگران برای ما تعیین تکلیف کنند! نباید به این ذلت رفت! این ما را نه به صلح و نه به استقرار با عزت برده میتواند و نه هم ممکن است! کس، جانب و مرجع ایکه در جنگ و نفرت، در خرابی و پریشان بودن من صاحب جاه و جلال، و موتروی، و صاحب امتیاز و منفعت شد و میشود و من را محتاج و احتیاج خود ساخته، چه منطق دارد که در صلح و استقرار من، من را مساعدت کند؟ مگر سرش را مارگزیده که من را از این احتیاج رهایی بخشد، خلاص کند و من مستقل به پای خود استاده از آب، برق، معدن و درخت و چوب و نیروی انسانی خود خود استفاده کنم. این را منطق ساده و ابتدایی هم قبول کرده نمی تواند پس چرا عده برای ما چنین سفارش های حد اقل ساده لوحانه دارند.

مذاکره، مصالحه و توافق بین الافغانی درین مرحله کدام است؟ توافق کنیم که مشروعیت حاکمیت بخاطر تحقق نسخه های ما منوط و مشروط به گرفتن مشروعیت تطبیق آن به اساس انتخاب ملت و در حالت ما اکثریت قاطع ملت مسلمان است.

تأکید همه بر نقش مؤثر و سازنده علماء و پیشتازان جامعه در انتخاب درست و بهتر ملت. بلی تأکید به اسلام ملت افغان و خود باور داشتن به نقش علماء و پیشتازان را در کمک به انتخاب درست ملت. انتخاب مسلمان در چوکات اسلام روشن است!

توافق کنیم که رسیدن به قدرت سیاسی بخاطر تحقق آرمان من، آرمان نهضت و حرکت من همانا اراده ملت در عالم اسباب و دریک یک انتخاب آزاد ملت است.

اگر ملت من را انتخاب نه کرد، این دلیل غلط بودن نسخه های من نیست، بلکه دلیل عدم کار لازم من است که در رساندن منطق حق ( ... و توأصوا بالحق ... ) به ملت موفقانه کار نه کرده ام. لذا باید کار بیشتر سیاسی کرد.

توافق براین که مسلمان مکلف به بردن کس به تحمیل به اجرای کار نیکو مکلف به بردن کس به جنت نیست. اگر الله تعالی میخواست چنین شود، الله قادر و توانا است، میشد ( کُنْ فیکُنْ ).

اما الله تعالی رساندن حق را وظیفه میلغ و قبول و بکار مخاطب و اراده الله تعالی است! نباید تحمیل کردو به جبر تلاش فرستان اشخاص دیگر به جنت کرد! این فهم خطاء از اسلام و شک در قادر و توانا بودن الله تعالی است ( العیاذ بالله )، و این گناه و حتی عمل کفری را نباید مرتکب شد.

به این ترتیب درین مرحله مذاکره و مفاهمه سیاسی و تمرکز به تضمین حقوق زن و مرد و قبول عدم قانون اساسی و امارت اسلامی و تحمیل در موارد و اشیایکه تصمیم در مورد آن کار ملت است و تمام تمرکز به ایجاد میکانیزم کسب و حصول این اراده ملت باید اساس کار شود و باید باشد!

تسلیم سلاح شما به من و من به شما نیز اساس گپ و مرکز سخن نیست. مرکز بحث توافق به میکانیزم رسیدن به حاکمیت از طریق انتخاب ملت است. هر تمرکز اساسی دیگر، هر تقدیم و تأخیر دیگر سند واضح راه گم کردن است!

بعد از توافق به این سخن مرکزی مرجع مشروعیت تطبیق نسخه و مرجع مشروع حصول مشروعیت حاکم بودن برای زمان معین، بحث دوم مطرح و میکانیزم رفع موانع جستجو میشود که چطور ممکن است که یک یا دو جانب حاکم فعلی همه امکانات دولتی در اختیار دارد. درین شرایط نظارت و شفافیت بر توافقات حاصله نه ممکن است. لذا بر این میکانیزم بحث و مذاکره آغاز میشود. و در عین حال مذاکرات بر سایر موارد به شمول خروج عساکر خارجی از افغانستان...  
و ها

خدمت سفیر امریکا برای افغانستان آقای جان بس باید گفت: که بلی افغانها چنانچه من نیز بارها تأکید دارم افغانها بدون دادن امتیاز به خارجی ها و بدون سهم دادن به همسایه ها خود دربین خود مسایل خویش را حل کنند.

بلی یکی از مشکلات اساسی ما همین است، که ما را تفنگ داده، به جان هم انداخته اند تا مصالحه دیگران تأمین شود.

ما را به هم انداخته، جنگاندند و میجنگانند تا ما به ضرورت وجود نظامی شان باور کند شویم.

پایان بی پایان